

يك بحث علمی جالب

اقتباس از کتاب «اچوبه مسائل تستریه»

سؤال:

علت چیست که تقلید در فروع جائز ولی در اصول غیر جائز می باشد؟

پاسخ:

برای توضیح و اداء حق مطلب لازم است که مقدمه زیر تذکر داده شود.

مقدمه - مفهوم تقلید از نظر عرف و لغت متفاوت است ، تقلید در لغت عبارت است از بستن قلاده (گرددن بند) بگردن یا بستن حمایل شمشیر بکمر (یقال قلده حمایل سیفه) و آن کنایه از التزام بشئی است (قال علیه السلام خط الموت علی ولد آدم مخط القلاده علی جید الفتاة) .

و در عرف ، تقلید عبارتست از متابعت و پیروی غیر بدون دلیل (المنجد) یا قبول قول غیر بدون دلیل (مجمع البحرین) یا بنا به حریف فقهاء، التزام و یا اخذ و یا عمل بقول غیر بدون حجت . و بعید نیست که معانی اصطلاحی تقلید از معانی لغوی اخذ شده باشد . چه آنکه قلابه طوق گردن است ، همانطور هم قول و دستور مرجع تقلید طوق کردن مقلد (تقلید کننده) است او باید ملتزم و متعبد به آن باشد . و اما نفی دلیل و حجت در تعریف تقلید ، البته نفی هر دلیل و حجتی نیست ، بلکه منظور نفی دلیل تفصیلی است در مقابل اجتهاد و فقاہت که دلیلاً آن تفصیلی میباشد ، چه آنکه تقلید بدون هیچ دلیل در فروع هم از نظر عقل و شرع جایز نیست و مسلماً دلیل اجمالی را میخواهد و گرنه تقلید کور کورانه خواهد بود (۱) .

اجمالاً مسئله جایز بودن تقلید در فروع دین را باید بدلیل ثابت نمود تا بتوان در هر مسئله از مسائل شرعیه فرعیه (۲) از مجتهد

(۱) این یکی از مزایای دین مقدس اسلام است، آری قانون کلیسا است تقلید کور کورانه را در اصول عقاید هم روا میدارد و پیروان را مازم میکند که با چشم بسته و گوش ناشنوا و بدون تصور و تعقل بگویند به اقا نیم ثلاثه خدا سه است در يك، و يك است در سه، التالی الله عن ذلك علواً کبیراً . و چون بعضی فرق ضالی که میگویند کورشو تا جمالم بینی کرشو تا صوت ملحیم شنوی .

(۲) - هر مسئله شرعی که راجع باصول عقاید نباشد آنرا مسئله فرعی نامنداع از عبادات و معاملات و احکام و سیاسات چون مسائل نماز و روزه تا آخر مسائل حدود و دیات

وفقیه جامع شرایط تقلید نمود و اگر بگوئیم، چون مجتهد فقیه گفته است باید تقلید کرد ما هم بقول او تقلید می کنیم علاوه بر اینکه این مطلب مستلزم دور یا تسلسل است و هر دو بدیهی البطلان است اشکالی چند پیش می آید که بذکر دو مورد آن اکتفا میشود.

۱- احتمال می دهیم اگر بدون دلیل و منطق یعنی کور کورانه در مسائل و احکام شرعیه تقلید نمودیم، احکام خدا را صحیحاً انجام نداده و در پیشگاه او مواخذه سئول باشیم و سزاوار عقاب و عذاب گردیم و این خود ضرری است که هر دم احتمال آن می رود و دفع آن از نظر عقل و فطرت انسان واجب و لازم است و بدیهی است که احتمال این ضرر دفع نمیشود مگر آنکه از روی دلیل و منطق صحیح بدانیم و علم حاصل نمائیم که وظیفه ما تقلید نمودن است و باصطلاح، تقلید بدون دلیل و بدون هیچ مجوز عقلی و شرعی مؤمن عقاب نمیباشد.

۲- میدانیم چون بهائم بلا تکلیف نیستیم و یقین داریم که ذمه ما بتکالیف زیادی مشغول میباشد و آشکار است احکام و تکالیفی را که بتقلید از غیر بجای آوریم تا علم بجواز تقلید بر ای ما حاصل نشود یقین حاصل نمینمائیم که انجام وظیفه نموده و از عهده تکلیف خارج شده ایم و باصطلاح اشتغال یقینی مستدعی بر ائت یقینیه است.

اکنون پس از بیان مقدمه و اشکالات وارده باصل مطلب میپردازیم اصولاً تقلید خلاف اصل و خلاف منطق عقل و شرع است اما فقط در مسائل فرعیه با دلایلی چند میتوان گفت جائز است. اما

عدم جواز تقلید در اصول عقاید ، در شماره پیش با دلایلی چند بیان شد (۱) .

دلایل جواز تقلید در فروع دین (احکام شرعیه فرعیه) از نظر عقل و شرع

الف - دلایل عقلیه بر جواز تقلید

۱- سیرت و دیدن عقلا و خردمندان و اقتضای فطرت در رجوع جاهل به عالم است در هر فنی از فنون . آری فطرت هر بشریست که در مسائل و کارهایی که علم و اطلاع آنرا ندارد ، مراجعه بکارشناس و متخصص آن بنماید و چون فقها (مراجع تقلید) متخصص در احکام فقهیه و مسائل شرعیه میباشند بمقتضی عقل و فطرت ، باید در این مسائل مراجعه بآنان شود .

۲ - قاعده نفی عسر و حرج - بدیهی است تمام افراد جامعه قادر نمیشوند که در مسائل فقهیه بدرجه اجتهاد برسند و نیز این امکان برای آنان وجود ندارد که در تمام مسائل عملی خود ، با احتیاط عمل نمایند . زیرا که در هر دو صورت مستلزم عسر شدید و حرج اکید و اختلال در نظام جامعه خواهد بود . و این در دین مقدس اسلام منتفی است بنا بر این عده ای از افراد که وجودشان برای گرداندن چرخ های اجتماع لازم است ناگزیر باید در احکام شرعیه تقلید نمایند ، تا بتوانند تکالیف دینی و اجتماعی خود را بدون عسر و مشقت انجام

(۱) به مقاله بحث در پیرامون اصول عقاید شماره قبل رجوع شود.

دهند (۱) .

ناگفته نماند که چون اجتهاد در اصول دین مستلزم عسر و حرج نیست، لذا تقلید (که خلاف اصل و منطق عقل و شرع است) در آن جایز نمیباشد، زیرا اصول دین منحصر است به: توحید، نبوت، معاد و اجتهاد هر فرد نسبت باین اصول آسان و فطری است قال الله تعالی «افی الله شك فاطر السموات والارض» از اینجا روشن می شود که شناختن خدا برای هر کس میسر است. باین جهت موقعی که حضرت علی علیه السلام از پیرزنی دایل بر وجود خدا را جو یا شد، پیرزن دست از چرخ ریسندگی خود بازداشت و عرض کرد هر وقت دست از چرخ بر میدارم از حرکت باز میماند پس چگونه جهانی باین عظمت بدون مدبر اداره می شود. یا وقتی از يك عرب بیابانی سؤال کرد خدا را بچه دلیل شناخته ای جواب داد البعره تدل علی البعیر و حال آنکه همانطور که ذکر شد اجتهاد در فروع دین کاری بس دشوار است. زیرا مجتهد باید دانای علومی چند از جمله: صرف، نحو، معانی، بیان، منطق، تفسیر، روایة، حدیث، رجال، اصول فقه و فقه باشد تا بتواند در مسائل دینی اجتهاد حاصل کند و این کار هر کس نیست.

(۱) قاعده نفی عسر و حرج از قواعد مسلمة دین مقدس اسلام است، آیات و اخبار زیادی در این باره وارد شده که هر حکمی از احکام اسلام مستلزم عسر و مشقت باشد بکلی منتفی است از آن جمله یرید الله بکم اليسر و لا یرید بکم العسر (آیه ۱۸۵ سوره بقره) و نیز ما جعل علیکم فی الدین من حرج (آیه ۷۸ سوره حج) اشاره بعسر و حرج است.